

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۴ - ۲۱

وجدان اخلاقی و کارکرد آن بر رفتار قضات در نظام قضایی ایران

۱ یحیی جعفری

۲ احمدرضا خزایی

۳ جمشید معصومی

چکیده

قضاوت در مکتب قضایی اسلام دارای جایگاهی رفیع بوده و قاضی، به عنوان رکن مهم این مکتب، علاوه بر این که دارای شأن و منزلتی قابل توجه است، در معرض خطرات درونی و بیرونی نیز هست. گسترش عدالت، به عنوان غایت نهایی سیستم قضایی، می‌طلبد که افرادی شایسته و متقن از باب اراده و ایمان در مسند این جایگاه، به صدور حکم و استیفای حق مبادرت نمایند، لکن با توجه به وجود نفس اماره در وجود بشری، که در گمراهی انسان قسم یاد کرده و در آیه ۸۲ سوره مبارکه "ص" می‌فرماید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»، مبرهن است که نظارت بر رفتار و عملکرد قاضی، از ضروریات یک نظام قضایی سالم و کارآمد می‌باشد. در این پژوهش اثبات شده است که هر چند بتوان از سلامت دستگاه قضاوت و قاضی مطمئن بود، لکن نافی نقش نظارت نخواهد شد و نهاد ناظر با تبیین شاخص‌هایی متفاوت در این نظارت، نقش‌آفرینی خواهد کرد.

واژگان کلیدی

وجدان اخلاقی، رفتار قضات، شاخص نظارت، صلاحیت قاضی، قاضی.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: nrq.project0@gmail.com

۲. استادیار گروه دانشکده ادبیات، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Ahm.Khazaei@iauctb.ac.ir

۳. استادیار گروه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Drjm1347@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۶

طرح مسأله

باید اذعان نمود که مهمترین وجه تمایز نظام قضایی اسلام با سایر مکاتب، از جمله مکاتب غیردینی در خصیصه مبانی آن نهفته است. از آنجا که نظام قضایی اسلام برگرفته از سرچشمه لایزال و انوار وحی الهی بوده و دارای وجهه الوهیتی است، لذا تفاوتی عمده با سایر مکاتب خواهد داشت و همین وجه تمایز کافی است که در مقدمات و غایت نیز متفاوت باشد.

نظام قضایی اسلام، نظامی است که ارکان، چارچوب، و ویژگی‌های آن از سایر نظام‌های غیردینی متمایز بوده است؛ به دلیل این که نظام قضایی اسلام برخاسته از منبع وحیانی بوده، یعنی در واقع، همان احکام الهی است که در محاکم قضایی حکم می‌راند نه قوانین بشری. لذا احکام و مقرراتی که امروزه در جوامع قضایی، به عنوان قوانین حاکم هستند، در واقع، مجموعه‌ای از یافته‌های افکار اندیشمندان و متفکران علم حقوق است، که آنها را با تجربیات خویش تدوین کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

بنابراین، در چنین نظامی که داعیه هدایت بشر به سر منزل مقصود را داشته و منتسب به خداوند رحمان است، هرگونه ضعف و نقصانی محتمل است که پای دین نوشته شود و متخلف نیز منسوب به دین‌داران.

به این سان، خداوند با حمل امانتی بر دوش انسان به عنوان خلیفه الله فی الارض، به جانشینان بر حق خود، در واقع، امر قضاوت را به خلفای راستین خود واگذار نموده است؛ گرچه کما فی السابق از باب قضاوت در زمان حضور و غیبت محل اختلاف است.

برخی از فقهای شیعه برآنند که حکم مسأله مورد بحث در زمان حضور و غیبت امام (علیه السلام) می‌باشد، بدین بیان که: در زمان حضور امام (علیه السلام) مراجعه به غیر اعلم و به اصطلاح مفضول، که از سوی امام منصوب گردیده (البته در صورت پذیرفتن جواز چنین انتصابی) جایز است، استدلال ایشان آن است که در صورت صدور حکم خطا از سوی غیر اعلم با توجه به حضور امام، اشتباه او از سوی امام (علیه السلام) تصحیح می‌گردد (انصاری، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

لذا در جامعه غیردینی یا مکاتبی که به وضوح دین از سیاست جدا است، تخلف عمال و کارگزاران ممکن است پای دین نوشته نشود، اما در مکتب قضایی اسلام، این چرخه کاملاً بر عکس است. بنابراین، در این مکتب، در واقع، نظارت بر رفتار عمال حکومت از جمله قضات، به نوعی پاس‌داشت دین و مکتب اسلام است و قاضی با درک این موقعیت خطیر، به قبول این مسؤولیت مبادرت می‌نماید و چاره‌ای نیست جز آنکه از هر گونه اقدامی که موجبات شأن قاضی و قضاوت را به‌دنبال داشته باشد، به شدت پرهیز نماید.

بررسی متون اسلامی نشان می‌دهد که مراقبت و بررسی اعمال و رفتار قضات از اهمیتی ویژه برخوردار بوده، لیکن همانند ایران باستان، سازمانی خاص برای این امر وجود نداشته است،

بلکه شخص خلیفه و امام مسلمین، شخصاً به موضوع رسیدگی و حکم لازم بر تنبیه قاضی متخلف صادر می‌کرده است. در این راستا، به مواردی از اعمال تنبیه و مجازات قضات صدر اسلام برخورد می‌شود که به حق از افتخارات دستگاه قضایی اسلام به شمار می‌رود (حیدرزاده، ۱۳۷۳: ۱۸).

بدیهی است که این موضوع به اهمیت تصدی منصب قضا و ضرورت مراقبت و ارزیابی افعال قاضی در زمان تصدی آن در حکوت اسلامی اشاره دارد.

مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن

در باب مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن، باید به این نکته توجه وافر داشت که پذیرش هر منصب و جایگاهی از جمله قضاوت، بدون پذیرش مسئولیت‌های حرفه‌ای، اخلاقی و قانونی آن، فاقد وجهت و محکوم به بطلان است، زیرا پذیرش هر مسئولیتی به هر شکل و سیاق، مسئولیت پاسخگو بودن در قبال عملکرد فرد را نیز بدنبال خواهد داشت که از آن به مسئولیت‌پذیری اخلاقی سازمانی نیز یاد می‌کنند.

پای‌بندی به قانون در انسان، بر خلاف طبیعت و حیوانات اهلی، معلول مسئولیت‌پذیری آدمی است. مسئولیتی که از طرفی، ناشی از اختیار و خودآگاهی است و از طرف دیگر، انسان را به ریسک‌پذیری موجه و دغدغه‌های رفتار سوق می‌دهد. مسئولیت‌های آدمی یا حقوقی است یا اخلاقی (قراملکی، ۱۳۹۳: ۴۹).

این پاسخگو بودن و مسئولیت‌پذیری سازمانی که مطابق با قانون و به دلیل رعایت قاعده قبح عقاب بلابیان خواهد بود، ابزاری در راستای عدالت‌گستری و احقاق حق ستم‌دیده خواهد بود و انتظاری جز این از قوه قضاییه، به عنوان ملجأ و پناهگاه محرومان نخواهد رفت و رعایت این حقوق در سایه بازرسی و نظارت بر عملکرد قضات، محقق خواهد شد.

در واقع، بسط و گستره عدالت در ابعاد گوناگون زندگی، از آرمان‌های همیشگی انسان بوده و نهاد دادرسی را که بازوی قدرتمند قوای جامعه در راستای نهادینه کردن عدالت در ارکان جامعه است، سمبل این ارمان می‌بیند (ادیبی مهر، ۱۳۸۹: ۵۲).

به این دلیل است که این پژوهش، با واکاوی شاخص‌های نظارت و بازرسی بر رفتار قضات، این مهم را به اثبات خواهد نشست.

نظارت بر رفتار قضات در مبانی دینی

بدون تردید مولی علی (علیه السلام) به‌عنوان اولین عدالت‌جوی عرصه قضاوت، که جان شیرین خود را در این راه الهی هدیه نموده است، چراغ هدایت‌گر دین اسلام بوده و هست و خواهد بود. در این رهگذر، ایشان دارای فرازهایی گهربار در باب ضرورت نظارت بر رفتار قضات است که بخشی اعظم از آن در کلام و قالب نامه‌هایی است که به استناداران خود نوشته است.

ایشان در نامه ۵۳ خود در کتاب ارزشمند نهج البلاغه، که به "فرمان مالک اشتر" معروف است، می‌فرمایند:

«... وَ تَحَفَّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ ...»

(... از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن ...)

یا بعد از انتخاب قاضی توسط استاندار می‌فرماید:

«... ثُمَّ أَكْثَرُ تَعَاهُدًا قَضَائِهِ ...»

(... پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت‌های او بیاندیش ...)

با اندک مذاقه مشخص است که صرف وجود فردی مطمئن و آگاه به مقتضیات زمان و مؤمن نمی‌تواند ملاکی درست برای انتخاب قاضی باشد و شاخص صحیح بودن احکام و تصمیمات درست (بدون هوی و هوس) که در کلام امام علی (علیه السلام) نیز آمده، مد نظر است که با نظارت و بازرسی محقق خواهد شد.

لذا می‌توان این‌گونه بیان نمود: انسانی که مدام در تیررس مکر شیطان است؛ هر چند که مفتخر به تقوای الهی باشد، لکن از خطا و لغزش در امان نخواهد بود و ضرورت دارد با احتجاج به مبانی دینی، و تبیین شاخص‌های مختلف بر کار او نظارت شود و این نظارت می‌تواند تأمین سلامت ارکان قوه و اعمال نظارت مناسب، مبارزه اساسی با فساد و از همه مهمتر، ایجاد امنیت و عدالت اجتماعی را در به‌دنبال داشته باشد.

فساد در بسیاری از نقاط جهان، عدالت را خدشه‌دار می‌کند و مانع دسترسی بزه‌دیدگان و متهمان به حق بر رسیدگی منصفانه و بی‌طرفانه می‌شود. هر چه از آثار منفی فساد در قوه قضائیه گفته شود کم است. فساد قضایی باعث می‌شود توان جامعه بین‌الملل در مقابله با جرایم فراملی و تروریسم کاهش یابد، تجارت، رشد اقتصادی و توسعه انسانی را محدود می‌کند و از همه مهمتر، ممانعت دسترسی شهروندان به حل و فصل بی‌طرفانه دعاوی با سایر شهروندان یا مقامات را سبب می‌شود. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد قوه قضائیه فاسد با ایجاد آسیب‌های حاصل از برخورد و حکمیت نامنصفانه، گسست و تفرقه در اجتماعات را موجب می‌شود.^۱

حال جدای از آن که نظارت بر عملکرد قاضی دارای خصیصه و مبنایی دینی است، مستلزم نظارتی همیشگی و موشکافانه و عدالت‌محور و قانون‌مدار است و همواره از سوی حکام و سلاطین مورد واکاوی و ارزیابی قرار می‌گرفته است و آنان خود را در بحث نظارت بر امور قضایی، به عنوان یکی از ارکان مهم حکومتی، واجد صلاحیت و تکلیف می‌دانستند. این نگاه حساس به نظارت و کنترل رفتار قضات، نمایش تجلی حق نظارت حکومت‌ها در

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر نگاه کنید به گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷.

امور قضایی است که با هدف دستیابی به دادرسی منصفانه اجرا شده است (طهماسبی، ۱۳۹۰: ۲۱۳). این نظارت را باید واجد شاخص‌هایی دانست که در قانون نظارت بر رفتار قضات تبیین شده است. این شاخص‌ها به شرح ذیل تحلیل می‌شوند.

شاخص‌های نظارت بر رفتار قضات

در ابتدای ورود به بحث، باید متذکر این نکته شد که مقصود از نظارت، نظارت انتظامی بر رفتار قضات است. این نظارت مستفاد از ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات، که در ۵۲ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۵ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است، در دو بخش اجرایی می‌گردد:

الف - نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضایی؛

ب - نظارت انتظامی بر عملکرد و رفتار قضات از حیث رعایت شؤون قضایی و رسیدگی به تخلفات و صلاحیت قضایی آنها بر اساس قانون.

گرچه ماده یک قانون نظارت بر رفتار قضات، که مقرر می‌دارد: «نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضایی آنها به شرح مواد این قانون است.» کلیه شاخص‌ها را در متن یک ماده آورده است، لکن جای آن داشت با توجه به تفکیک موضوع، طی دو ماده مستقل به تبیین شاخص‌های جزئی‌تر مبادرت می‌نمود؛ البته در آیین‌نامه اجرایی تا حدودی توانسته‌اند رفع نقیصه کنند، ولی جای خالی آن به دلیل جلوگیری از برداشت‌های متفاوت، به شدت احساس می‌شود.

در این نظارت‌ها، اشاره به نکته‌ای ضروری می‌باشد که قاضی را سفارش حکم به عدل داده‌اند نه به حق، یعنی قاضی لاجرم است از این که فقط بر مبنای عدل حکمرانی کند و مصلحت‌اندیشی از دایره قضاوت قاضی خارج است.

این شاخص، بسیار مهم است که معیار سنجش و نظارت عملکرد قاضی با تأسی از قرآن کریم، فقط عدل است. خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه نساء، آیه ۵۸ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»

(خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید. در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بینا است) (فولادوند، ۱۳۷۳: ذیل آیه)

و باید بین قضاوت به عدل و به حق نیز تفکیک قائل شد که به لحاظ خروج موضوعی از

مبنای تحقیق از آن عدول شده و بازگشت به مبحث نظارت لازم است.^۱
 بنا بر آنچه تقریر شد سه شاخص برای نظارت انتظامی بر رفتار قضات احصاء گردیده است:

۱. نظارت بر رفتار و عملکرد قضات؛

۲. رسیدگی به تخلفات انتظامی؛

۳. رسیدگی به صلاحیت قضایی.

که برای این نظارت سه‌گانه سازوکارهایی از قبیل دادرسی انتظامی قضات، دادگاه رسیدگی به صلاحیت قضات، دادگاه تجدیدنظر و کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات پیش-بینی شده است و بر اساس شکایات واصله، گزارش‌های مردمی، گزارش‌های واحد نظارت و بازرسی، گزارش‌های حفاظت اطلاعات قوه، در چارچوب قانون نظارت بر رفتار قضات و آیین‌نامه اجرایی آن، بررسی و اتخاذ تصمیم می‌گردد.

پس اهمیت نظارت و بازرسی در جمع‌بندی عالییه و تأمین داده‌های اطلاعاتی برای دادرسی و دادگاه انتظامی، قابل پیش‌بینی است؛ البته در قانون نظارت بر رفتار قضات و در موادی متفاوت، وظایف هر بخش را به تفکیک بیان داشته‌اند.

همانگونه که بیان شد هدف از طراحی شاخص "ارزیابی نظام قضایی"، ارزیابی نظام مبتنی بر ادراک صاحبان کسب و کارها از عملکرد نظام قضایی در ایران است (محققین قوه قضاییه، ۱۳۹۵: ۲۵۲).

البته اگر به نظارت صرفاً از ابعاد محدودیت آن نظر افکنده شود قطعاً بجز آنچه بر قاضی و قضاوت رفته، عاید دیگری حاصل نخواهد شد. لذا از این باب، به لحاظ اهمیت موضوع و هشدار افاده می‌گردد که دانسته شود صرفاً بیان محدودیت‌ها در دایره نظارت نمی‌گنجد و بهتر آن است که نهاد نظارت به امکانات معیشتی قضات، چه در زمان تصدی منصب قضاء و چه در دوران بازنشستگی؛ نگاهی وسیع افکنده و مقررات لازم در این مقوله تدوین شود.

در کلامی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در عهدنامه حضرت امیر (ع) به مالک اشتر، در باب وظایف والی نسبت به قاضی آمده است:

«... وَ اِفْسَحْ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يُزِيلُ عِلَّتَهُ...»

(... برای قاضی حکومت وسعت مالی فراهم ساز تا گرفتاری‌ها و کاستی‌های زندگیش

برطرف شود...)^۲

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: یزدی، ۱۳۷۵.

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: محمدی تاکندی و شیخ محمدی، ۱۳۷۵، ۶۵/۲.

شاخص ارزشیابی رفتار قضات

با تأسی از دین مبین اسلام و اهدافی که در جهت تعالی انسان ترسیم نموده است، به جرأت می‌توان اصول ارزشیابی عملکرد در اسلام را در همان سیاق جستجو و تفسیر نمود. با توجه به این که هدف از حکومت در اسلام، رشد دادن انسان به سوی نظام الهی و تجلی ابعاد خداگونگی او است «تخلقوا بأخلاق الله» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۵۸) در اجرای برنامه نظام ارزشیابی مهمترین هدف، هدایت، تهذیب و آموزش مستخدمان است؛ به نحوی که این امر مآلاً به رشد فکری و تعالی هر چه بیشتر آنان منتهی گردد (قربانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۰).

این یک اصل پذیرفتنی است که انسان در جهت سیر الی الله و حصول به کمال غایی آفریده شده است و هر انسانی باید بکوشد برای خودسازی و رهایی از قیود نفسانی جهد نماید تا بتواند از هوای نفس دور شود و با رام نمودن نفس اماره، خود را بابت آنچه آفریده شده است در مظان آزمایش الهی قرار دهد.

از نظر دینی، تمامی انسان‌ها باید برای خودسازی و کسب کمال بکوشند و تلاش کنند که به فضایل کریمه آراسته گردند و از رذیلت‌های اخلاقی دور شوند، لکن قاضی با توجه به مسؤولیت خطیری که به عهده دارد و با عنایت به این که ضعف‌های او آسیب‌های جدی و سختی را به دیگران و خودش وارد می‌سازد، در این باره تکلیفی مضاعف دارد (یزدی، ۱۳۹۰: ۸۱).

بنابراین، یک قاضی با تقویت خصیصه عدالت‌محوری خود، توجه به خویشتن، رشد اخلاقی، پرده‌پوشی، جرأت و جسارت، نظم‌پذیری، ساده‌زیست بودن و توجه به جایگاهی خطیر، که به امانت به او سپرده شده است، در راه بسط عدالت و عدل‌محوری تلاش می‌نماید. این مهم، با تغییراتی در سوگندنامه‌ای که قضات قبل از تصاحب مسند قضاوت، خود را بدان پای‌بند می‌دانند آمده است، که در راستای احکام دینی و عدالت تلاش نمایند.^۱

گرچه ایرادهایی از جمله حرکت بر مدار قانون، برقراری نظم در جامعه، مفهوم عدالت و ... در آن از قلم افتاده، لکن بدون ورود به ماهیت سوگند، صرفاً به تعهدات یک قاضی در امر قضاوت، که ممکن است تخطی از آنان برای وی موجبات تعقیبات انتظامی را به دنبال داشته

۱. متن سوگندنامه قضات: «من به عنوان قاضی، در محضر قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که به پیروی از پیامبر گرامی اسلام و ائمه طاهرين عليهم السلام و استمداد از ارواح طيبه شهدای اسلام، پاسدار حق و عدالت باشم و با تکیه بر شرف انسانی خویش، تعهد می‌نمایم که همواره در کشف حقیقت و احقاق حق و اجرای عدالت و قسط اسلامی در گرفتن حق از ظالم و بازگرداندن آن به صاحبش، کوشا باشم و با تلاش پیگیر در مستند قضا، در تحکیم مبانی جمهوری اسلامی و حمایت از مقام رهبری، دین خود را به انقلاب اسلامی ادا نمایم».

باشد، اشاره شده است.

شاخص‌های عملکردی رفتار قضات

در بعد عملکردی، ملاک حرکت بر مدار قانون و نظم‌پذیری، تبعیت از آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها و سایر مقررات اداری است، که از آن جمله می‌توان به شرح صدر، نقدپذیری، استفاده شایسته و به‌جا از مشاوره، تقویت بنیه علمی، افزایش بصیرت، تقویت وسعت دید، بینش سیاسی، افزایش قدرت تحمل و ... را برشمرد.

به این سان، باید اذعان نمود یکی از مطالبی که همه حکومت‌ها باید به آن توجه داشته باشند تا نظامشان مرتب و بر سیر صحیح باشد، مسأله قضاوت؛ آن هم قضاوت بر اساس احکام خداوند و دستورات پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام). چنین قضاوتی است که موجب می‌شود نظام‌ها پایدار باشند و هر حکومت و نظامی که قضاوت آن بر خلاف تعالیم نورانی اسلام باشد، پایدار نخواهد بود. قضاوت بسیار دشوار است. اگر در نظر باشد عدالت واقعی بر مبنای آیات قرآن و دستورات اسلام اجرا شود، باید در زمینه افزایش مایه علمی و فقهی متصدیان قضاوت توجه بیشتری داشته باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳).

بنابراین، از آنجا که ارزشیابی، امری هدفمند در راستای بهبود خدمت‌رسانی بهتر تلقی می‌گردد و به دلیل ممانعت از ایجاد تشتت، موضوعات نظارت و ارزشیابی در ماده ۲۴ آیین‌نامه نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات (مصوبه شماره ۹۰۰۰/۱۲۳۱۱/۱۰۰ به تاریخ ۱۳۹۲/۳/۸ رییس قوه قضاییه)، که در اجرای ماده ۱۲ قانون نظارت بر رفتار قضات، مصوب ۱۷ مهر ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی و بنا به پیشنهاد دادستان انتظامی قضات، به تصویب رسیده و مقرر داشته است: «موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی اموری از قبیل موارد ذیل است:

الف - رعایت نزاکت و اخلاق و آداب اسلامی؛

ب - حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع؛

پ - رعایت شان قضایی؛

ت - حسن شهرت؛

ث - توانائی جسمی و روحی؛

ج - دانش و مهارت قضایی؛

چ - کیفیت و کمیّت کار قضایی؛

ح - قدرت استنباط و شم قضایی؛

خ - شجاعت و استقلال قضایی؛

د - رعایت نظم و انضباط اداری؛

ذ - نظارت بر امور دفتری؛

ر - دانش و مهارت بهره‌برداری از اطلاعات و فن‌آوری ارتباطات؛

ز - توجه به جهات پیش‌گیرانه و تربیتی در امور قضایی.»

نظارت بر رفتار قضات تبیین شده و ممکن است موضوعاتی دیگر نیز در برنامه نظارت و ارزشیابی باشد که بهتر می‌بود همه با ذکر جزئیات بیان شود تا شائبه قبح عقاب بلابیان حادث نگردد. لذا مواردی از قبیل رعایت نزاکت و اخلاق و آداب اسلامی؛ حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع؛ رعایت شأن قضاء و رعایت عرف قضاوت و قاضی، که قانون حاکم بر رفتار قضات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن برای هر یک مصادیقی را بیان نموده‌اند و با تشبّث به منابع دینی سعی در اخلاقی کردن آن داشته‌اند. به‌عنوان مثال با تأسی از آیه ۴ سوره مبارکه قلم، آنجا که خداوند می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»

(و راستی که تو را خوبی والا است) (فولادوند، ۱۳۷۳: ذیل آیه)

در خطاب به رسول اکرم (ص) سعی در شبیه‌سازی حسن خلق در رفتار قاضی با مردم نموده است یا آنجا که امام علی (ع) در نامه به فرماندار بصره می‌نویسد:

«... فَحَادِثْ أَهْلَهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۸)

(... با مردم آن به نیکی رفتار کن ...)

همچنین در باب رعایت شأن قضاء نیز به‌عنوان مؤلفه نظارتی بر رفتار قضات، در تبصره ماده ۱۷ قانون مذکور تعریفی ارائه داده‌اند که گرچه خیلی واضح و موشکافانه نیست و بیانی بسیار کلی و وسیع است، لکن برای شروع مصداق‌سازی می‌تواند مؤثر باشد. در این تبصره چنین آمده است:

«رفتار خلاف شأن قضایی عبارت است از انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است؛ به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند.»
لذا خصایص فوق‌الاشاره، همه از مواردی است که مورد مذاقه و مطالبه جدی واحد نظارت بر رفتار قضات است، که تخطی از آن ممکن است با حصول دیگر شرایط، محکومیت انتظامی را موجب شود.

نکات مهم نظارت صحیح بر رفتار قضات

واژه نظارت در فرهنگ فارسی چنین معنی شده است:

نظارت (با فتح نون): عمل ناظر و مقام او، مراقبت در اجرای امور، ...

نظارت (با کسر نون): زیرکی، فراست، نظر کردن، نگرستن، نظر، نگرش (معین، ۱۳۸۸:

ذیل واژه).

در اصول مدیریت گفته شده: نظارت عبارت است از سنجش و اصلاح عملکرد یک سازمان

برای به دست آوردن این اطمینان که اهداف سازمانی و طرح‌های اجرایی آن با کامیابی به انجام رسیده است (ویهریخ و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۸۸/۲).

گرچه تعریف فوق، خیلی کامل و جامع به نظر نمی‌رسد، لکن می‌توان با الگوپذیری از آن، مفهوم نظارت بر رفتار قضات را تحلیل و بازتعریف نمود. لذا پیشنهاد نگارنده این است که توقع و انتظار خود از یک نظارت درست و ابزار و اهداف آن در ابتدا به خوبی تبیین شود تا بتوان یک تعریف نسبتاً جامع از نظارت استنتاج نمود.

بدیهی است اجرای نظارت، مستلزم رعایت تشریفات از قبیل تعیین شاخص یا معیار، پایش عملکرد، تطبیق عملکرد با شاخص و انجام اقدامات اصلاحی است. ذکر این نکته ضروری است که تشریفات فوق‌الاشاره می‌تواند در سازمان‌های متفاوت و نسبت به اهداف هر سازمان متفاوت باشند، به عنوان مثال یک سازمان خصوصی، که انحراف از اهداف آن ممکن است صرفاً موجب ضرر صاحبان سهام گردد، به هیچ وجه با یک دستگاه قضایی نمی‌تواند مورد نظارت و پیمایش قرار گیرد. بدیهی است در قوه قضاییه نظارت بر رفتار قضات در راستای حفظ حقوق بیت‌المال و مردم و عدالت‌گستری و جلوگیری از بروز فساد احتمالی است و عدول مقام قضایی از اهداف مورد انتظار، به نوعی تخطی از قانون و مستوجب تعقیب انتظامی و قضایی خواهد بود، زیرا تخطی قاضی از اهداف سازمانی قوه قضاییه، بیم تعدی و تفریط در جان و مال و ناموس انسان‌ها را به دنبال خواهد داشت و تبعات احتمالی آن، صرفاً به شخص قاضی بر نمی‌گردد.

همچنین در مبحث نظارت بر رفتار قضات، باید به این نکته توجه شود که اهداف برخی از سازمان‌ها در قالب کمی و عددی قابل بررسی و سنجش است، لکن عمل قاضی که از باب تقرب به خدا و تکلیف الهی است در هیچ مقیاس کمی قابل اندازه‌گیری نیست، لذا صدور حکم و فصل خصومت بین اصحاب دعوی، چنان ارزشمند است که قابل توصیف نیست و اگر گاهی از باب آمار، نسبت به احکام قضایی افاضاتی بیان می‌شود، صرفاً به دلیل اطلاع عموم از عملکرد دستگاه قضایی است نه از باب سنجش و اندازه‌گیری، زیرا در آن صورت، توهین به جایگاه قاضی و مقام قضاوت خواهد بود که از اهداف نظارت دور است.

در نظارت بر رفتار قضات، جنبه پیش‌گیرانه از وقوع فساد یا جرم به همان اندازه که برخورد با مجرم تلقی می‌گردد، به نوعی صیانت و حمایت از قضات شریف و پاکدستی است که صادقانه به خدمت مشغول هستند. به عبارت دیگر، باید بیان نمود که شاخص‌های نظارت هر سازمان را اهداف آن سازمان، و انتظاراتی که از آن می‌رود، پیش‌بینی می‌نماید، و پیچیدن نسخه واحد برای کلیه سازمان‌ها اشتباهی استراتژیک خواهد بود.

نتیجه گیری

قانون نظارت بر رفتار قضات را باید سرمطلعی برای ارزشیابی قضات از هر حیث به شمار آورد. در این قانون، با تلاش محققین سعی شده است با جمع‌آوری قوانین سابق، تحقیق و پژوهش، گردآوری تجارب سایرین، روزآمد کردن قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، با نظارت بر رفتار قضات، ضمن حفظ شأن و جایگاه قاضی و قضاوت، در نظارتی که می‌تواند ضمن جلوگیری از بروز فساد، در پیشگیری آن بسیار مؤثر واقع شود، موفق عمل کند. بیان مؤلفه‌ها و مصادیق شأن قاضی، عرف قضاوت و ...، که در قوانین گذشته مسکوت مانده بود در کنار تعیین تکلیف وضعیت معیشت قضات پس از تعلیق، حفظ شأن خانوادگی وی و ... نوآوری‌های قانون نظارت بر رفتار قضات تلقی می‌گردد که در کنار آن باید به تعدد مراجع تصمیم‌گیری و رسیدگی به تخلف قاضی، اعم از دادسرا و دادگاه و کمیسیون صلاحیت و غیره، که ممکن است دچار نوعی موازی-کاری شوند به‌عنوان نقص قانون فعلی یاد کرد؛ گرچه به زعم برخی، قانون جدید مجموعه‌ای از قوانین گذشته است، لکن همین تدوین آن به ابواب مختلف، حاوی پیامی موفقیت‌آمیز قلمداد می‌شود. همچنین بیان شاخص‌های نظارت بر رفتار قضات و تبیین اهداف سازمانی در جهت حصول به اهداف نظارت بر رفتار قضات، از موارد مهم این پژوهش است؛ گرچه هرگونه نظارتی، صرفاً بیان نقاط منفی و نقصان‌ها نبوده و هدف، اصلاح امور و برخورد با متخلفین احتمالی است.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ادیبی مهر، محمد، ۱۳۸۹، سلوک دادرسی در فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده علوم انسانی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری؛
۲. انصاری، حمید، ۱۳۷۱، مبانی فقهی شرایط قاضی در فقه شیعه و مذاهب چهارگانه، بی جا، بی نا؛
۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، آداب قضا در اسلام، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسرا؛
۴. حیدرزاده، هادی، ۱۳۷۳، تعقیب انتظامی قضا، چاپ دوم، تهران، آزاده؛
۵. طهماسبی، جواد، زمستان ۱۳۹۰، «فرایند نظارت انتظامی بر رفتار قضات»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۶، صص ۲۰۹-۲۲۹؛
۶. فولادوند، محمد مهدی، ۱۳۷۳، ترجمه‌ای از قرآن کریم، بی جا، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی؛
۷. قراملکی، احد فرامرز، ۱۳۹۳، اخلاق حرفه‌ای، نگارش نو، قم، مجنون؛
۸. قربانی، محمود؛ کرامتی، محمدرضا؛ جعفریان راد، سیدمحمدجعفر، ۱۳۸۱، ارزشیابی عملکرد کارکنان، چاپ اول، مشهد، توس؛
۹. گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۷، تهران، انتشارات پژوهشگاه قوه قضاییه؛
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، چاپ دوم، بی جا، مؤسسه الوفاء؛
۱۱. محققین قوه قضاییه، ۱۳۹۵، تحقیقات قضایی، تهران، قوه قضائیه؛
۱۲. محمدی تاکندی، علی؛ شیخ محمدی، رضا، ۱۳۷۵، نامه روح‌افزا، چاپ دوم، قم، آفرینه؛
۱۳. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی، چاپ بیست و چهارم، تهران، امیرکبیر؛
۱۴. ویهریخ، هاینتس؛ اودانل، سیریل؛ کونتز، هرولد، ۱۳۸۱، اصول مدیریت، مترجم: محمدعلی طوسی، چاپ پنجم، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری؛
۱۵. یزدی، عبدالمجید، ۱۳۹۰، اخلاق و آداب قضایی، قم، ابتکار دانش؛
۱۶. یزدی، محمد، ۱۳۷۵، اخلاق قضاء، تهران، انتشارات قوه قضاییه؛

ب) وبسایت

۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۵ بهمن ۱۳۹۳)، تأکید آیت‌الله صافی بر افزایش مایه علمی و فقهی متصدیان قضاوت، کد خبر: ۸۳۴۰۳، سایت شیعه نیوز، به نشانی اینترنتی:

<https://www.shia-news.com/fa/news/83403/%D8%AA%D8%A7%DA%A9%DB%8C%D8%AF-%D8%A2%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87-%D8%B5%D8%A7%D9%81%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D9%85%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%B9%D9%84%D9%85%DB%8C-%D9%88-%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C-%D9%85%D8%AA%D8%B5%D8%AF%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%82%D8%B6%D8%A7%D9%88%D8%AA>





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی